

بازخوانی مفهوم مقاومت در آموزه‌های اسلامی و پیامدهای روان‌شناختی و اجتماعی آن

نوید ابوطالبی^۱، امیرحسین کریمیان^{۲*}، سیدابراهیم معصومی^۳

۱. دانشجوی دکتری الهیات، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری الهیات، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. Amirhosseinkarimian436@gmail.com

۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. masomi6228@kashanu.ac.ir

چکیده

مقاومت به‌عنوان یکی از مفاهیم بنیادین در آیات و روایات اسلامی، نقشی محوری در تکامل فردی و تعالی اجتماعی مسلمانان ایفا می‌کند. با وجود تأکید گسترده متون دینی، تبیین نظام‌مند منظومه مفهومی مقاومت و تحلیل پیوند آن با مفاهیمی چون صبر و استقامت، همچنین واکاوی دقیق مکانیسم تأثیرگذاری آن در سطوح فردی و اجتماعی، همچنان به‌عنوان یک ضرورت پژوهشی باقی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با محوریت آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام)، در پی پاسخ به این پرسش است که مقاومت در منظومه فکری اسلام از چه چارچوب مفهومی برخوردار است و چه آثار مشخصی در ابعاد فردی و اجتماعی بر جای می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد مقاومت، منظومه‌ای به هم پیوسته است که مفاهیم هم‌خانواده‌ای چون صبر (به مثابه پشتوانه روانی) و استقامت (به عنوان شکل نهادینه‌شده آن) را دربر می‌گیرد. در بُعد فردی، این منظومه از طریق تقویت ایمان و توکل، به تهذیب نفس، کسب عزت نفس پایدار و رشد معنوی منجر می‌شود. در بُعد اجتماعی، این مفهوم با تبدیل شدن به گفتمانی جمعی، عامل انسجام امت، استقلال، پایداری فرهنگی و زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی می‌گردد. در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت در اندیشه اسلامی، فراتر از یک کنش دفاعی، "راهبردی تربیتی و تمدنی" است که از ایمان سرچشمه می‌گیرد، در پرورش اخلاقی فرد متبلور می‌شود و در صحنه جامعه به صورت قدرت جمعی و تحقق تمدن اسلامی ظهور می‌یابد.

واژگان کلیدی: مقاومت، استقامت، صبر، تربیت اخلاقی، تمدن اسلامی

انتشارات

مفهوم مقاومت یکی از ارکان کلیدی در اندیشه و رفتار اسلامی به شمار می‌رود. منظور از «آموزه‌های اسلامی» در این پژوهش، مستندات اصلی دین، یعنی آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) است. این متون، به ویژه آیات قرآن و سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، بر پایداری در برابر ظلم، تلاش در راه حق، و عدم سازش با باطل تأکید دارند. از این رو، مقاومت در این چارچوب، نه تنها یک کنش دفاعی، بلکه یک راهبرد الهی و وظیفه ایمانی برای تحقق عدالت و حفظ کرامت انسانی قلمداد می‌گردد.

در جهان معاصر، با گسترش چالش‌هایی چون استکبار جهانی، اشغال‌گری و تحریف مفاهیم دینی، بازشناسی و تبیین علمی مفهوم مقاومت از منظر قرآن و روایات، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پرداختن دقیق و مستند به این موضوع می‌تواند هم در حوزه نظری و هم در عرصه عمل اجتماعی، راهگشای جوامع اسلامی برای حفظ هویت، عزت، و استقلال باشد.

با وجود تأکید فراوان متون دینی بر مقاومت، هنوز ابعاد مختلف این مفهوم به‌ویژه در حوزه آثار فردی و اجتماعی، به طور جامع و علمی بررسی نشده‌اند. سوال اساسی این است که مقاومت در آموزه‌های اسلامی چگونه تعریف می‌شود و چه آثار و پیامدهایی در سطوح فردی و اجتماعی برای انسان مسلمان به همراه دارد؟ آیا این مفهوم صرفاً به بُعد نظامی محدود است یا دارای ابعاد معرفتی، اخلاقی، و تمدنی نیز هست؟ و چگونه می‌توان آن را در چارچوب مفاهیم کلان اسلامی مانند جهاد، صبر، توکل و امر به معروف تحلیل نمود؟ مطالعات متعددی پیرامون جهاد، صبر، و ایستادگی در منابع اسلامی انجام شده است، اما اغلب این پژوهش‌ها یا نگاهی تاریخی به پدیده مقاومت داشته‌اند یا بر جنبه‌های سیاسی آن متمرکز بوده‌اند. در برخی پژوهش‌های معاصر نیز مفهوم «مقاومت اسلامی» بیشتر به گفتمان سیاسی محدود شده است. در نتیجه، هنوز جای پژوهشی جامع و تحلیلی که به تبیین بنیادهای دینی، ابعاد چندگانه و پیامدهای فردی-اجتماعی مقاومت از منظر اسلامی بپردازد، خالی است.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

ضرورت این پژوهش از سه منظر نظری، کاربردی و روش‌شناختی قابل تبیین است. از جنبه نظری، با وجود غنای متون اسلامی در حوزه مفاهیم مرتبط با مقاومت، خلأ یک چارچوب نظام‌مند که بتواند مؤلفه‌های مختلف این مفهوم را در منظومه‌ای منسجم تبیین نماید، به وضوح احساس می‌شود. از منظر کاربردی، مواجهه امت اسلامی با اشکال نوین استکبار در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و رسانه‌ای، نیازمند بازخوانی و استخراج الگویی عملیاتی از متون دینی است تا بتواند به عنوان سندی راهبردی، جهت‌دهنده کنش‌های فردی و اجتماعی قرار گیرد. از حیث روش‌شناختی نیز، این تحقیق با به کارگیری نظریه استنتاج، گامی در جهت پویایی علوم اسلامی و ارائه الگویی برای استنباط پاسخ‌های نوین از متون کهن محسوب می‌شود.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱. مقاومت در آموزه‌های اسلامی چه تعریفی دارد و چه مفاهیمی در کنار آن مطرح می‌شوند؟
۲. مبانی قرآنی و روایی مقاومت چیست و چگونه این مبانی رفتار مؤمنانه را شکل می‌دهند؟
۳. آثار و پیامدهای مقاومت در ساحت فردی انسان مسلمان کدام‌اند؟
۴. مقاومت چه نقشی در شکل‌گیری هویت جمعی، استقلال و عزت جامعه اسلامی ایفا می‌کند؟

۱-۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با منطق استنباطی انجام شده است. داده‌های لازم از طریق مطالعات کتابخانه‌ای در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم‌السلام) گردآوری و سپس با تحلیل محتوای کیفی و در چارچوب منظومه فکری اسلامی مورد بررسی قرار گرفتند. هدف این روش، تبیین مفهومی، کشف روابط و استنتاج آثار مقاومت در ابعاد فردی و اجتماعی بود که به ارائه یک چارچوب نظری منسجم انجامید.

۱-۴. پیشینه تحقیق

در حوزه موضوعی «مقاومت در اسلام»، اگرچه آثار ارزشمندی به رشته تحریر درآمده است، اما مرور نظام‌مند این آثار نشان می‌دهد که بیشتر آنها، رویکردی توصیفی-تاریخی یا فقهی-استنباطی داشته‌اند. این پژوهش‌ها عمدتاً به گردآوری آیات و روایات مرتبط با مفاهیمی چون جهاد، صبر و پایداری پرداخته یا مصادیق تاریخی مقاومت را در سیره معصومین مورد تحلیل قرار می‌دهد. اگرچه این مطالعات از حیث غنای محتوایی بسیار سودمندند، اما در سطح تحلیل و ارائه یک چارچوب نظری یکپارچه برای تبیین «مقاومت» به عنوان یک «نظام» منسجم فکری و عملی، با کاستی روبرو هستند.

در ادامه به برخی از تحقیقات پیرامون مقاومت به عنوان پیشینه اشاره خواهد شد:

در تحقیقی با عنوان "اهداف و کارکرد قدرت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم" که توسط (سید باقری و ملا شفیعی، ۱۳۹۴) نگارش شده است به این نتیجه رسیده است که در نگارش قرآنی و اسلامی قدرت هدف نیست و کسب آن به هر روشی نیز جایز نیست. در قدرت مطلوب هدف رشد و هدایت مردم، اجرای دستورهای خداوند، اجرای عدالت، تحقق آزادی و حفظ کرامت انسانی است.

"چالش‌های مقاومت از منظر قرآن کریم" (آل نبی و یوسفی مقدم، ۱۴۰۰) یکی دیگر از کارهایی پیرامون مقاومت انجام شده است که بر اساس آن مقوله مقاومت، پدیده‌ای مستمر و همیشگی در مسیر زندگی انسان است و اختصاص به یک مقطع زمانی و یا جغرافیای خاصی ندارد و از نگاه قرآن چنین نیست که روزی بر پیروان حق بگذرد و مقاومت نباشد.

در مقاله ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات (فرمی باف و همکاران، ۱۳۹۹) اساس آموزه‌های دینی ما بر ظلم ستیزی استوار گشته و در این راه بشارت‌های خداوند و وعده‌های نصرت او آرامش بخش قلوب

مومنان است. در همه ابعاد آموزه های دینی ما پذیرش ذلت و زندگی توأم با حقارت مذمت شده و انسانها از دیدگاه الهی سرنوشت خود را رقم می زنند که البته در این مسیر الطاف الهی هم شامل آنها خواهد شد. نوآوری پژوهش حاضر در آن است که مفهوم «مقاومت» نه صرفاً به عنوان یک واکنش سیاسی یا نظامی، بلکه به مثابه یک منظومه تربیتی و تمدنی در آموزه های اسلامی تحلیل شده است. در این تحقیق، آثار فردی و اجتماعی مقاومت به صورت هم زمان و با بهره گیری از منابع قرآنی، روایی بررسی گردیده است. پژوهش حاضر با تکیه بر رویکرد توصیفی - تفسیری و روش استنتاج از متون دینی، الگویی مفهومی ارائه می کند که مقاومت را از سطح ایمان فردی تا تحقق هویت جمعی و تمدن اسلامی تبیین می نماید.

۲. چارچوب مفهومی تحقیق

مبانی نظری این پژوهش، برپایه تلقی «مقاومت به عنوان مفهومی جامع و نظام مند در منظومه معارف اسلامی» شکل گرفته است. در این چارچوب، مقاومت پدیده ای چندسطحی در نظر گرفته می شود که از بُعد ایمانی و معرفتی آغاز می گردد، در عرصه اخلاق و تربیت فردی نهادینه می شود و در سطح اجتماعی به صورت ایستادگی در برابر ظلم و تلاش برای تحقق عدالت جلوه می یابد. اجزای این منظومه نظری در سه محور اصلی قابل ترسیم است:

۲-۱. بُعد ایمانی و معرفتی

مقاومت در نگاه اسلامی، ریشه در باورهای توحیدی دارد و از ایمان به خداوند، توکل و یقین به وعده های الهی سرچشمه می گیرد. قرآن کریم در آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» (احقاف: ۱۳)، استقامت را نشانه ایمان راسخ و مایه آرامش درونی معرفی می کند. این بُعد، جهت دهنده و الهام بخش سایر ابعاد است و بدون آن، مفهوم مقاومت به یک رفتار صرفاً سیاسی یا نظامی فروکاسته می شود. به تعبیر امام علی علیه السلام، «میوه عقل، استقامت است» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۶) که نشان می دهد مقاومت حاصل عقلانیت ایمانی و بینشی ژرف است.

۲-۲. بُعد اخلاقی و تربیتی

پایداری در مسیر حق، صبر در طاعت و ترک گناه، و ایستادگی در برابر وسوسه های نفسانی، زیربنای مقاومت حقیقی را تشکیل می دهند. این بُعد بر خودسازی و تهذیب نفس به عنوان پیش نیاز هرگونه پایداری بیرونی تأکید دارد. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: «نعمت خدا را با صبر بر طاعتش کامل کنید» (خطبه؛ ۱۸۸) که بیانگر رابطه مستقیم میان پایداری اخلاقی و رشد معنوی است. در این منظر، مقاومت پیش از آنکه یک استراتژی اجتماعی باشد، یک فرآیند درونی و یک پروژه تربیتی برای ساختن انسان متعهد و پایدار است.

۲-۳. بُعد اجتماعی و تمدنی

در سطح کلان، مقاومت سازوکار پایداری امت اسلامی در برابر ظلم، سلطه و استکبار را فراهم می‌سازد. قرآن کریم هدف رسالت انبیا را «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) معرفی می‌کند و آیه «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷) بر رابطه دوسویه پایداری جمعی و نصرت الهی تأکید می‌ورزد. در این بُعد، مقاومت عاملی برای وحدت، هویت‌یابی، استقلال و زمینه‌ساز تحقق عدالت اجتماعی و در نهایت، ساخت تمدن اسلامی است. تجربه‌های تاریخی از عاشورا تا انقلاب اسلامی، مصادیق عینی این بُعد از مقاومت هستند بر این اساس، چارچوب نظری حاکم بر این پژوهش را می‌توان در قالب الگوی زیر ترسیم کرد: مقاومت از «بُعد ایمانی و معرفتی» به عنوان مبنا آغاز می‌شود؛ از گذر از «بُعد اخلاقی و تربیتی» و کسب ملکات نفسانی، به «قدرت درونی» در فرد تبدیل می‌گردد؛ و نهایتاً در «بُعد اجتماعی و تمدنی» به «نیروی جمعی» تبدیل شده، جامعه را در برابر آسیب‌ها مقاوم ساخته و مسیر تحقق تمدن اسلامی را هموار می‌سازد.

۳. مفهوم شناسی

۳-۱. مفهوم مقاومت

واژه مقاومت از ریشه «ق و م» است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال (زبیدی، ۱۳۰۶ش، ج ۱۷، ص ۵۹۲؛ رازی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ طریحی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۵۶۶)، ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۵)، استمرار (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۹۴) ذکر شده است.

برخی از قرآن پژوهان مانند علامه طباطبائی برای «مقاومت» و «استقامت» ریشه مشترکی قائل شده و آن را از مشتقات «قام» و «قیام» می‌دانند. (طباطبائی، ۱۴۱۷ق؛ ج ۱۱، ص ۴۷) اعتدال و دوری از افراط و تفریط (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۲۳۷)، ثبات، دوام، طلب قیام و پیروی از راه خدا (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۵، ص ۳۰۴؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق؛ ج ۱۰، ص ۱۱۶) و استقامت در اوامر و نواهی الهی؛ اعم از عقاید و اعمال (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق؛ ج ۱، ص ۵۵۷) از دیگر معانی است که در تفاسیر ذکر شده است. بنابراین پایداری به مفهوم ثبوت قدم و استواری با پشتوانه آنچه فرد به آن ایمان دارد در مقابل هجمه‌ها و نیرنگ‌های طرف مقابل است؛ که با هدف دفع ضرر یا خسران و منکوب طرف مقابل انجام می‌پذیرد. همچنین از تلفیق این دیدگاه‌ها می‌توان دریافت که مقاومت اسلامی، برپایی مستمر حق در همه عرصه‌های زندگی، با حفظ ثبات و تعادل، و دوری از هرگونه افراط و تفریط است. این تعریف، مقاومت را از یک کنش انفعالی به یک استراتژی فعال و همه‌جانبه ارتقا می‌دهد.

الف. آثار فردی مقاومت

مقاومت در اندیشه اسلامی، پیش از آنکه یک رفتار جمعی یا اجتماعی باشد، فرایندی درونی و تربیتی است که به رشد شخصیت مؤمن و تقویت گوهر انسانی او منجر می‌شود. آموزه‌های قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) نشان می‌دهد که نخستین ثمره‌ی مقاومت، استواری در ایمان و تقویت یقین قلبی است. انسان مقاوم با تکیه بر توحید و باور به وعده‌های الهی، در برابر فشارها و دشواری‌ها دچار اضطراب و تزلزل نمی‌شود. آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (احقاف: ۱۳) بیانگر آن است که استقامت، امنیت روحی و آرامش باطنی را برای فرد به ارمغان می‌آورد و او را از ترس و اندوه رها می‌کند.

یکی دیگر از آثار فردی مقاومت، تهذیب نفس و دستیابی به تربیت اخلاقی پایدار است. صبر، که جزء اصلی مقاومت محسوب می‌شود، فرد را در برابر امیال، ضعف‌ها و ناپایداری‌های اخلاقی توانمند می‌کند. روایات معصومان (ع) نیز بر همین نکته تأکید دارند؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «با صبر، نعمت الهی را کامل کنید». (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۸) این سخن ناظر به آن است که پایداری در مسیر حق، انسان را به سطحی از بلوغ اخلاقی می‌رساند که رفتارهای او از ثبات و حکمت برخوردار می‌شود.

افزون بر این، مقاومت موجب تقویت شخصیت روانی و افزایش عزت نفس می‌شود. فردی که در برابر ناملایمات و تهدیدها از ارزش‌های خود دست نمی‌کشد، احساس کرامت درونی و هویت مستقل پیدا می‌کند. همین حالت موجب شکل‌گیری تاب‌آوری روانی می‌شود؛ یعنی توانایی عبور از مشکلات بدون شکست روحی. این تاب‌آوری، از نظر قرآن و روایات، یکی از ارکان ایمان عملی به شمار می‌آید. در مجموع، آثار فردی مقاومت را می‌توان در سه محور اساسی خلاصه کرد:

۱. تقویت ایمان، یقین و آرامش درونی: مقاومت با قرار دادن فرد در موقعیت‌های آزمایش، یقین عملی را جایگزین علم نظری می‌کند. هنگامی که مؤمن، وعده‌های الهی (مانند نصرت) را در بستر واقعیت و در سایه پایداری خود محقق می‌بیند، ایمان او از حصار ذهن خارج شده و به باور قلبی و طمأنینه تبدیل می‌شود. اینجاست که آیه «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ...» (رعد: ۲۸) مصداق عینی می‌یابد.

۲. تهذیب نفس و استحکام اخلاق فردی: منشأ عزت نفس راستین، خودارزشمندی غیروابسته است. مقاومت به فرد می‌آموزد که منبع ارزش‌گذاری خویش را از «نگاه دیگران» به «رضایت الهی» و «پایبندی به اصول» منتقل کند. این استقلال روانی، که ریشه در آیه «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸) دارد، فرد را از دام «خوگیری» و «ذلت‌پذیری» نجات می‌دهد و کرامتی را برای او به ارمغان می‌آورد که هیچ تهدید بیرونی نمی‌تواند آن را خدشه‌دار کند.

۳. افزایش عزت نفس، کرامت و تاب‌آوری روانی: مقاومت، یک کارگاه عملی تهذیب نفس است. پایداری در برابر وسوسه‌های نفسانی و فشارهای محیطی، مستلزم مهار غرایز، تقویت اراده و صبوری است. این مبارزه مستمر، فضیلت‌هایی چون شجاعت، صداقت و استواری را که در حالت عادی به صورت بالقوه وجود دارند، به ملکات راسخ اخلاقی تبدیل می‌کند. به تعبیر امیرالمؤمنین (ع)، «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ» (مجلسی، ج ۶۸، ص ۹۰).

این سه محور نشان می‌دهد که مقاومت، از سطح باور آغاز می‌شود، در رفتار فرد نهادینه می‌گردد و به تغییرات عمیق اخلاقی و روانی منتهی می‌شود. بر همین اساس، قرآن کریم و روایات، مقاومت را مسیر کمال انسانی و شرط رسیدن به مراتب عالی ایمان دانسته‌اند.

ب. آثار اجتماعی مقاومت

در سطح اجتماعی، مقاومت به مثابه نیرویی تحول‌آفرین و هویت‌بخش عمل می‌کند که بقا و تعالی امت اسلامی را تضمین می‌نماید. قرآن کریم هدف اصلی رسالت انبیا را «اقامه قسط» در میان مردم معرفی می‌کند (حدید: ۲۵)، و تحقق این آرمان الهی بدون پایداری جمعی در برابر ظلم و استکبار ممکن نخواهد بود. جامعه‌ای که روح مقاومت در آن جاری است، توانایی برپاداشتن عدالت را می‌یابد؛ چرا که عدالت همواره در میدان رویارویی با منافع ظالمان و جبهه باطل پدید می‌آید (جوادی آملی، ۱۳۹۸: ۲۲۸). یکی از بارزترین آثار اجتماعی مقاومت، تحقق استقلال و عزت امت اسلامی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷). این آیه شریفه رابطه‌ای دوسویه را ترسیم می‌کند: یاری دین خدا با پایداری و همبستگی مؤمنان آغاز می‌شود، و در پی آن، نصرت و تثبیت قدم از سوی خداوند شامل حال جامعه می‌گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴: ۳۱۲).

بدین ترتیب، مقاومت اجتماعی نه تنها موجب رهایی از سلطه بیگانگان می‌شود، بلکه به احیای ارزش‌های فراموش‌شده و بازسازی هویت جمعی بر مبنای ایمان و عدالت می‌انجامد. تجربه‌های تاریخی، از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی ایران، گواهی روشن بر این حقیقت است که جوامع برآمده از ایمان و پایداری، نه تنها از قید اسارت خارج شده‌اند، بلکه توانسته‌اند ارزش‌های دینی را در قالب یک تمدن زنده و پویا متجلی سازند.

۴. اهمیت و جایگاه مقاومت در فرهنگ اسلامی

مقاومت در فرهنگ اسلامی، صرفاً یک راهبرد دفاعی یا واکنش گذرا به تهدیدات بیرونی نیست، بلکه مفهومی زیربنایی و جایگاهی محوری در منظومه‌ی فکری اسلام دارد که بر تمامی سطوح زندگی فردی و اجتماعی مؤمنان سایه می‌افکند. این اهمیت ریشه در آن دارد که مقاومت، تجلی عملی ایمان، عقلانیت و اراده‌ی انسان مسلمان در مسیر تحقق اهداف عالی الهی است. در این منظومه، مقاومت چونان حلقه‌ی اتصال ایمان فردی

به مسئولیت اجتماعی عمل می‌کند و از این رو، تبیین جایگاه آن در دو عرصه‌ی «متون دینی (قرآن و سنت)» و «سیره‌ی عملی معصومان(ع)» ضروری می‌نماید.

۴-۱. اهمیت و جایگاه مقاومت از منظر قرآن کریم

یکی از تأکیدات فرهنگ اسلامی و آیات متعدد قرآن کریم توصیه و سفارش به مقاومت و استقامت در برابر سختیها، مشکلات و گرفتاریها و رنجها می‌باشد. با توجه به جایگاه مقاومت و نقش آن در غلبه بر باطل و پیروزی و استحکام جامعه اسلامی لذا در آیات متعدد به این امر مهم تأکید شده است. در ذیل به برخی از آیاتی که به فرهنگ مقاومت اشاره و تأکید شده است ذکر می‌شود:

۴-۱-۱. پایداری و ذکر؛ دو رکن فلاح در میدان نبرد

قرآن کریم در سوره انفال، الگویی الهی برای مواجهه با دشمن ارائه می‌دهد که در آن، پایداری عملی با توشه‌ی معنوی پیوند می‌خورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (انفال: ۴۵). این آیه، «ثبات قدم» در میدان نبرد و «ذکر کثیر» الهی را دو رکن جدایی‌ناپذیر برای رسیدن به فلاح و رستگاری معرفی می‌کند. از منظر مفسران، این ذکر فراوان، تنها به تکرار لفظی محدود نمی‌شود، بلکه یادآوری وعده‌های نصرت و یاری خداوند است که روحیه‌ی پایداری را در دل‌های مؤمنان تقویت می‌کند (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱۰، ص ۲۳۱). سید عبدالحسین طیب در «اطیب البیان» این آیه را فرمانی کلی به امر جهاد می‌داند و تأکید می‌کند که فرار از میدان جنگ (زحف) از گناهان کبیره شمرده شده و پایداری در برابر کفار و مشرکان محارب، یک تکلیف قطعی است (طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۳۴). به همین دلیل، عدم پایداری در برابر دشمن، مساوی با ترک جهاد و ارتکاب گناهی بزرگ است. این تأکید بر «عدم عقب‌نشینی» و حفظ موضع، در تفسیر شریف لاهیجی نیز مورد توجه قرار گرفته است (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۰۱). نکته عمیق دیگری که از این آیات و تفاسیر برداشت می‌شود، توسعه‌ی مفهوم پایداری از عرصه‌ی ظاهری و نظامی به عرصه‌ی باطنی و فکری است؛ به این معنا که «پایداری» تنها به مقاومت در میدان نبرد محدود نمی‌شود، بلکه «پایبندی و اعتقاد راسخ به مواضع فکری صحیح» را نیز در بر می‌گیرد. این نگاه جامع، مقاومت را از سطح یک کنش دفاعی صرف، به یک «استراتژی تربیتی و فکری» ارتقا می‌دهد که هم در صحنه‌ی نبرد و هم در میدان اندیشه جریان دارد.

۴-۱-۲. قاطعیت عملی و مصونیت از انحراف در پرتو استقامت

در آیه ۸۹ سوره یونس، خداوند متعال در پاسخ به درخواست حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) خطاب به ایشان می‌فرماید: «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ». این فرمان الهی، درحالی که با بشارت «اجابت دعا» همراه است، بلافاصله بر دو اصل حیاتی تأکید می‌ورزد: اول «استقامت» و قاطعیت در مسیر حق، و دوم «پرهیز از پیروی راه نابخردان». این پیوند نشان می‌دهد که حتی در اوج موفقیت

و پس از دریافت نعمت اجابت، خروج از مسیر استقامت و گرایش به روش و منش جاهلان، می‌تواند همه دستاوردها را مخاطره بیندازد. این آیه به روشنی بیان می‌کند که قاطعیت عملی و پابندی به مواضع اصیل، شرط حفظ و تداوم نصرت الهی است. تأکید بر عدم تبعیت از نادانان نیز حاکی از آن است که مقاومت، تنها در برابر تهاجم مستقیم معنا نمی‌یابد، بلکه «مقاومت فکری و فرهنگی» در برابر اندیشه‌های انحرافی و پرهیز از همراهی با جبهه جهل، بخش جدایی‌ناپذیر این میدان است. بنابراین، این فرمان قرآنی، مقاومت را یک «راهبرد همه‌جانبه» معرفی می‌کند که عرصه‌های عمل، اندیشه و فرهنگ را همزمان در بر می‌گیرد.

۴-۱-۳. اصول پایداری در میدان رویارویی از منظر قرآن

قرآن کریم در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره انفال، به صراحت به تعلیم شیوه نبرد و تبیین اصول پایداری در میدان جنگ می‌پردازد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تَوَلَّوْهُمْ الْأُدْبَارَ وَمَنْ يُوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ». این آیات با نهی قاطع از «پشت کردن به دشمن در حال یورش» (زحف)، اصل اساسی مقاومت و ثبات قدم را در خط مقدم جهاد ترسیم می‌کنند. این فرمان، یک حکم استراتژیک و تربیتی است که روحیه استواری و پایداری را در کالبد امت اسلامی می‌دمد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۳۶). علامه مغنیه با تأکید بر این موضوع، فرار از میدان نبرد را نشانه‌ای از سستی دین و عامل ذلت و خواری مسلمانان برمی‌شمرد (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۷۱۱). با این حال، قرآن در عین تأکید مطلق بر پایداری، به واقع‌گرایی و انعطاف تاکتیکی نیز توجه دارد؛ به گونه‌ای که تنها در دو حالت خاص، «تغییر موضع برای یافتن موقعیت بهتر نبرد» و یا «پیوستن به گروهی از مسلمانان برای ادامه جنگ»، را از مصادیق فرار محسوب نکرده است (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۱۰، ص ۱۸۲). این تفصیل و تدبیر، نشان می‌دهد که مقاومت از نگاه قرآن، به معنای ایستادگی خشک و غیرعقلانی نیست، بلکه پیوند دهنده «ثبات عقیدتی» با «تدبیر نظامی» است. از سوی دیگر، طبرسی با اشاره به شأن نزول آیات (جنگ بدر)، تأکید می‌کند که خطاب این آیات، عمومی است و همه مؤمنان در همه اعصار را در برمی‌گیرد (همان). این عمومیت، نشان می‌دهد که آموزه مقاومت و عدم عقب‌نشینی در برابر دشمن، یک حکم مقطعی تاریخی نیست، بلکه یک «اصل تغییرناپذیر» در تقابل همیشگی حق و باطل است.

۴- ۱- ۴. نظام چهارگانه قرآن برای تاب‌آوری در سخت‌ترین شرایط

قرآن کریم در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، مؤمنان را با چهار دستور کلیدی برای فائق آمدن بر سخت‌ترین شرایط فرامی‌خواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ». این فرامین - «شکیبایی فردی»، «ایجاد صبر و استقامت در دیگران»، «آماده‌باش و پایداری نظامی (مربطه)» و «تقوای الهی» - در کنار یکدیگر، یک نظام جامع برای مقاومت در برابر مشقت‌های طاقت‌سوز جنگ ترسیم می‌کنند. این آیه شریفه نشان می‌دهد که پایداری تنها یک فضیلت اخلاقی نیست، بلکه یک «راهبرد عملیاتی» است که هم‌زمان بر خودسازی درونی، انسجام و روحیه‌بخشی به سپاه، و آمادگی دائمی در خطوط مقدم جبهه تأکید می‌ورزد (گروهی از مترجمان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۵۴۴). طبرسی در «مجمع‌البیان» با اشاره به واژه «رابطوا»، بر اهمیت آماده‌باش و تجهیز سپاه اسلام، هم‌چون دشمنان، برای حفظ توان دفاعی و مقاومت پایدار تأکید می‌کند (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۴، ص ۳۹۹). از این منظر، تجهیز معنوی (تقوا و صبر) و تجهیز مادی (مربطه و آمادگی)، دو بال جدایی‌ناپذیر برای پیروزی و رستگاری هستند. قرائتی نیز این چهار دستور را راهکارهای قرآن برای رستگاری می‌داند که همگی به شکلی به «پایداری و تهذیب روح» بازمی‌گردند (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۴۱۶). بنابراین، این آیه شریفه مقاومت را به مثابه یک «فرآیند چندبعدی» معرفی می‌کند که در آن، استقامت فردی، مسئولیت اجتماعی، تدبیر نظامی و تقوای الهی، همگی در کنار هم، شرط لازم برای فلاح و پیروزی نهایی به شمار می‌روند.

۴- ۱- ۵. معیار پیروزی در نابرابری؛ کیفیت ایمان به جای کمیت ابزار

قرآن کریم در آیه ۲۵۰ سوره بقره، صحنه عبرت‌آموز رویارویی سپاه ایمانی طالوت با لشکر پرعدد و ادعای جالوت را ترسیم می‌کند، آنگاه که مؤمنان در اوج خطر و نابرابری، داعی سرنویشت‌ساز می‌کنند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبَّتْ أَفْدَامُنَا وَانْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». محتوای این درخواست، الگویی کامل از نیازهای یک جامعه مؤمن در میدان آزمایش را نشان می‌دهد: «فراوانی صبر» برای تحمل مشقت‌ها، «ثبات قدم» برای ایستادگی عملی در خط مقدم، و در نهایت، «درخواست نصرت» برای غلبه بر دشمن کافر. این ترتیب حکیمانه بیانگر آن است که نصرت الهی، پیامد مستقیم «صبر و ثبات» است، نه عاملی خودبه‌خودی و بدون قید و شرط. مغنیه در تفسیر این واقعه تأکید می‌کند که پیروزی سپاه کوچک ایمان بر لشکر عظیم کفر، نمونه‌ای برجسته از نصرت الهی است که در پرتو استقامت و توکل مؤمنان محقق شد (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۶۶۲). این روایت قرآنی به روشنی اعلام می‌دارد که معیار پیروزی در نظام الهی، «کمیت امکانات مادی» نیست، بلکه «کیفیت ایمان و پایداری» است. هنگامی که پایه‌های مقاومت بر اساس توکل و صبر استوار گردد، سنت الهی بر یاری بندگان صابر و ثابت‌قدم جاری می‌شود، حتی اگر موازنه ظاهری قوا به نفع آنان نباشد. این سنت

الهی، پشتوانه اطمینان بخشی برای همه مؤمنانی است که در راه حق، در اقلیت عددی یا توان مادی قرار می گیرند.

۴- ۱- ۶. تزکیه باطن؛ پیش نیاز معنوی ثبات قدم

در آیه ۱۴۷ سوره آل عمران، قرآن کریم سخن مجاهدان راه خدا را این گونه نقل می کند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ». ترتیب این درخواست ها بسیار پرمعناست: آنان پیش از طلب «ثبات قدم» و «نصرت بر دشمن»، به «درخواست آموزش گناهان و زیاده روی های خود» می پردازند. این تقدم، از یک «حکمت تربیتی و معنوی» عمیق خبر می دهد؛ چرا که استغفار و توبه، جان را صیقل می دهد و روح را برای پذیرش توفیقات بزرگ، از جمله ثبات در میدان نبرد و دریافت نصرت الهی، آماده می سازد (گروهی از مترجمان، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۹۸). سید عبدالحسین طیب نیز این رویکرد را از کمالات ادبی و معنوی بندگان می داند که در مواجهه با سختی ها، پیش از هر چیز به پالایش درون و طلب بخشش از خداوند متعال روی می آورند (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۸۳). بلاغی در «حجۃ التفاسیر» با اشاره به بافتار تاریخی این آیات، بر این نکته تأکید می ورزد که این سخن، بیانگر حال مجاهدان پیشینی است که با وجود مشقت های طاقت سوز جنگ، هرگز از پایداری و مقاومت در برابر دشمن بازنايستادند (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰۶). بنابراین، از منظر قرآن، استغفار نه یک عمل انفعالی، بلکه گام اول و «پیش نیاز معنوی» برای تقویت روحیه، استحکام اراده و در نهایت، میداننداری و پیروزی در عرصه های سخت مقاومت است. این نگاه، مقاومت را تنها یک تلاش بیرونی نمی داند، بلکه آن را نیازمند پشتوانه ای از طهارت باطن و تزکیه نفس می شمارد.

۴- ۱- ۷. الگوی تعاملی نصرت؛ یاری دین خدا، شرط یاری خداوند

قرآن کریم در آیه ۷ سوره محمد (صلی الله علیه و آله)، رابطه ای علی و مشروط را میان عمل مؤمنان و نصرت الهی ترسیم می کند: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ». این آیه به روشنی بیان می دارد که «یاری کردن دین خدا»، شرط اساسی برای «دریافت یاری و تثبیت قدم از سوی او» است. حسینی همدانی در تفسیر این آیه اظهار می کند که اگر مؤمنان با نیتی پاک و هدفی خالص در مسیر یاری دین خدا و مقابله با کافران گام بردارند، نصرت الهی شامل حال آنان خواهد شد (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ص ۲۸۶). این سنت الهی بدان معناست که نصرت و پیروزی، امری خودبه خودی و بدون قید و شرط نیست، بلکه پاسخی الهی به عزم و عمل جهادی امت است. مفهوم «نصرت الله» تنها به جنگ نظامی محدود نمی شود، بلکه هرگونه تلاش برای احیای ارزش های دینی، دفاع از حریم ایمان و مقابله با طاغوت در عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را در بر می گیرد. بنابراین، این آیه خط مشی کلانی را برای جامعه اسلامی ترسیم می کند: ثبات قدم، عزت و پیروزی نهایی، در گرو پیشگامی امت در یاری دادن به دین خدا و آرمان های الهی است. این یک تعامل الهی است که در آن، ابتکار عمل از سوی بندگان آغاز می شود و پاسخ بی درنگ خداوند، یاری و استواری بخشیدن به آنان است.

۴-۱-۸. پایداری؛ سنت الهی برای تشخیص صدق ایمان

قرآن کریم در آیه ۳ سوره عنکبوت، با بیان سنتی الهی که بر امت‌های گذشته جاری شده است، می‌فرماید: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ». این آیه تصریح می‌کند که خداوند اقوام پیشین را با انواع سختی‌ها و آزمایش‌های دشوار آزموده است تا راستگویان در ایمان از دروغگویان مشخص شوند. مغنیه در تفسیر این آیه خاطر نشان می‌سازد که پیروان پیامبران پیشین، مشقت‌های بسیاری از جمله نبردهای سخت را متحمل شدند، اما با پایداری و استقامت، بر ایمان خود افزوده و هرگز سست نشدند (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۶، ص ۱۶۱). این بیان قرآنی در پی آن است که به مؤمنان بیاموزد که دوران‌های سخت و فتنه‌ها، مختص به زمان و مکان خاصی نیست و پایداری در برابر آنها، سنتی همیشگی برای تشخیص صدق ایمان است. قرائتی نیز با تأکید بر این نکته، هشدار می‌دهد که ادعای ایمان در شرایط عادی آسان است، اما معیار واقعی سنجش صداقت افراد، «پایداری در برابر فتنه‌ها» است (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۸، ص ۲۲۳). بدین ترتیب، قرآن با ارائه این الگوهای تاریخی، هم به جامعه اسلامی آرامش می‌بخشد که بروز مشکلات، امری طبیعی در مسیر حق است، و هم آنان را به پایداری و استمرار بر ایمان تشویق می‌کند؛ چرا که پیروزی نهایی از آن کسانی است که در میدان آزمایش، راستای ایمان خود را ثابت کنند.

۴-۱-۹. همراهی با پیامبر(ص)، عامل تعمیق ایمان و تسلیم

قرآن کریم در آیه ۲۲ سوره احزاب، مؤمنان راستین را در سخت‌ترین لحظات - هنگام مواجهه با لشکرهای متحد احزاب- این گونه توصیف می‌کند: «وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا». این آیه برترین الگوی مقاومت جمعی را ترسیم می‌نماید؛ جایی که مؤمنان به جای ترس و تردید، با دیدن عظمت خطر، آن را تحقق وعده الهی دانسته و این صحنه سهمگین، جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود. حسینی همدانی در تفسیر این آیه بیان می‌کند که این وصف، بیانگر مقام والای مؤمنانی است که در صف پیامبر(ص) به جهاد پرداخته و مدافع او و دینش بوده‌اند (حسینی همدانی، ۱۳۸۰، ج ۱۳، ص ۷۴). این آیه نشان می‌دهد که پایداری و مجاهدت در کنار رسول الله(ص) و در مسیر انجام رسالت او، خود عاملی برای تعمیق ایمان و رسیدن به مراتب عالی‌تر یقین و تسلیم است. بنابراین، مقاومت در این جایگاه، تنها یک تکلیف دفاعی نیست، بلکه «وسیله‌ای برای قرب و کمال» و «تجلی عملی پیروی از رسول خدا(ص)» است. چنین مقاومتی است که هویت جمعی امت را شکل می‌دهد و سعادت و رستگاری آنان را در ادامه راه پیامبر(ص) و صیانت از دین او تضمین می‌کند.

۴-۱-۱۰. مقاومت شرط اصلی جهاد با طرفداران باطل

قرآن کریم در آیه ۷۱ سوره نساء، مؤمنان را برای رویارویی با دشمنان به دو شکل فرامی‌خواند: «فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا». دستور به «انفِرُوا ثُبَاتٍ» -یعنی کوچ کردن گروه گروه یا دسته‌های ثابت و استوار- حاوی

یک پیام راهبردی است: سازماندهی نیروها در قالب گروه‌های منسجم و پایدار، خود شکلی از مقاومت فعال و شرط کارآمدی در نبرد با دشمن است. مغنیه در تفسیر این آیه و آیات پس از آن تأکید می‌کند که خطاب قرآن، بر لزوم پایداری، ثبات قدم و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌ها و روش‌های ممکن در مقابله با کفار استوار است (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۵۸). این تأکید بر ایجاد و حفظ پایداری از طریق روش‌های متعدد، گویای اهمیت محوری این مفهوم در استمرار و ثمربخشی جهاد است. از این منظر، مقاومت تنها به ایستادگی در خط مقدم خلاصه نمی‌شود، بلکه شامل «تدبیر و سازماندهی مقاومت» نیز می‌گردد. بنابراین، قرآن مقاومت را به عنوان یک «اصل استراتژیک» معرفی می‌کند که جهاد با طرفداران باطل و استعمارگران، بدون رعایت آن به ثمر نخواهد نشست. این نگاه، مقاومت را از یک تاکتیک جنگی فراتر برده و آن را به «چارچوب کلان مبارزه» تبدیل می‌کند که همه حرکات و اقدامات میدانی باید در آن قالب طراحی و اجرا شوند.

۴- ۱- ۱۱. توصیه به نبرد با کفار توأم با مقاومت و ثبات قدم

قرآن کریم در آیه ۱۲۳ سوره توبه، مؤمنان را به نبرد با کافران همجوار فراخوانده و بر صفتی کلیدی در این تقابل تأکید می‌ورزد: «وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً». دستور به «غلظت» و شدت عمل در برخورد با دشمن، به معنای خشونت بی‌هدف نیست، بلکه ناظر بر همان «ثبات قدم»، «صلابت روحی» و «استواری عملی» است که دشمن را از نفوذ و شکستن خطوط دفاعی مؤمنان ناامید می‌سازد. بلاغی در تفسیر این آیه، این ویژگی را از مهم‌ترین شاخصه‌های جهاد با کفار برمی‌شمارد (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۳۴). این آیه به جامعه ایمانی می‌آموزد که در برابر دشمنان، باید بر مواضع حق خود «مصمم و استوار» بود و هرگونه سستی و انعطاف نابجا که موجب طمع ورزی آنان شود را کنار گذاشت. این صلابت و مقاومت، افزون بر بعد نظامی، در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نیز کاربرد دارد و ضامن حفظ هویت، استقلال و عزت امت اسلامی در برابر تهاجم همه‌جانبه استکبار جهانی است. در حقیقت، قرآن با این توصیه، مقاومت را به عنوان «جوهره تعامل با جبهه باطل» معرفی می‌کند؛ تعاملی که در آن، استقامت و ثبات قدم، سدّی نفوذناپذیر در برابر تهاجم دشمنان ایجاد می‌نماید.

۴- ۱- ۱۲. قانون ده‌برابری؛ تأثیر صبر در معادله قدرت

قرآن کریم در آیه ۶۵ سوره انفال، با بیانی شگفت‌انگیز، نقش تعیین‌کننده مقاومت را در معادلات قدرت مادی آشکار می‌سازد: «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ ۚ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا». این آیه شریفه به صراحت اعلام می‌دارد که اگر بیست نفر از مؤمنان شکیبا و پایدار باشند، بر دویست تن از کافران چیره خواهند شد و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر غلبه می‌کنند. این فرمول قرآنی، به وضوح نشان می‌دهد که «پایداری و صبر» به عنوان جوهره مقاومت، عاملی تعیین‌کننده است که می‌تواند ضریب توان رزمی مؤمنان را تا ده برابر افزایش دهد و برتری کمی دشمن را خنثی نماید. قرائتی در تفسیر این آیه بر این

نکته تأکید می‌ورزد که این پیام، تنها مختص به میدان جنگ نیست، بلکه در تمامی عرصه‌های مبارزه با ظلم، جهل و فساد، اگر مؤمنان دارای ایمان و پایداری باشند، با کمترین امکانات می‌توانند بر برتری طلبی دشمن غلبه کنند (قرائتی، ۱۳۸۵، ج ۴، ص ۳۹۶). این آیه شریفه در حقیقت یک «قانون الهی» را برای مؤمنان تبیین می‌کند: پیروزی نهایی، تنها در گرو ابزار و شمار نفرات نیست، بلکه در گرو «ایمان»، «آگاهی»، «انگیزه الهی» و مهم‌تر از همه، «پایداری در راه حق» است. این نگاه، مقاومت را از یک تاکتیک جنگی به یک «قدرت سازنده و راهبردی» در تمامی میدان‌های فردی و اجتماعی ارتقا می‌دهد.

۴-۲. مقاومت از نگاه معصومان علیهم السلام

مقاومت و استقامت علاوه بر اینکه در قرآن کریم و تعالیم قرآنی به عنوان یکی از آموزه‌های مهم و از وظایف مومنین قلمداد شده است و اسباب فهم دینی را فراهم می‌نماید، در روایات وارده از معصومان علیهم السلام نیز جایگاه ویژه‌ای دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۴-۲-۱. اهمیت مقاومت در روایات

همانگونه که در آیات متعدد بر اهمیت پایداری و استقامت تأکید شده است روایات بسیاری نیز به این مهم تصریح نموده‌اند؛ در ذیل اهمیت مقاومت و استقامت با توجه به کارکردهای آن در کلام معصومان علیهم السلام مطرح می‌شود:

۴-۲-۱-۱. مقاومت در طاعت الهی؛ سبب تکمیل و تنمیم نعمتها

در نگاه امام علی (علیه السلام)، مقاومت و پایداری تنها به عرصه نبرد با دشمن بیرونی محدود نمی‌شود، بلکه والاترین درجه آن، «پایداری در طاعت الهی» است. ایشان در خطبه‌ای می‌فرمایند: «وَأَسْتَتِمُّوا نِعَمَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ عَلَى طَاعَتِهِ، وَالْمُجَانَبَةِ لِمَعْصِيَتِهِ». این فراز از کلام مولا (ع) به روشنی بیان می‌دارد که کامل کردن نعمت‌های خداوند بر خود، از مسیر «صبر بر طاعت» و «دوری‌گزینی از معصیت» میسر می‌شود (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۹). این بیان ژرف، مقاومت را به مثابه یک «سلوک مستمر تربیتی» معرفی می‌کند که در گام نخست، در میدان جهاد اکبر و در برابر هوای نفس و وسوسه‌های گناه محقق می‌شود. استقامت در انجام واجبات و ترک محرمات، نه تنها یک وظیفه دینی، بلکه عامل «تکمیل و تمامیت» نعمت‌های الهی است. از این منظر، مقاومت در طاعت، خود بزرگ‌ترین نعمتی است که زمینه رشد سایر نعمت‌های مادی و معنوی را فراهم می‌سازد و آن‌ها را به کمال مطلوب می‌رساند. بنابراین، این سخن امیرالمؤمنین (ع) نشان می‌دهد که مقاومت، یک «شاخصه تربیتی محوری» در اسلام است که هم در عرصه فردی و هم در صحنه اجتماعی، نقش بنیادین در تعالی و شکوفایی انسان ایفا می‌کند.

۴-۲-۱. پایداری باطنی و بردباری در طاعت الهی لازمه پایداری در برابر دیگران

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در فرازی از خطبه شریف خویش (خطبه ۲۶)، نمونه‌ای بی‌نظیر از پایداری باطنی و صبری شکوهمند را در برابر دشوارترین شرایط ترسیم می‌فرماید: «فَنَظَرْتُ فَإِذَا لَيْسَ لِي مُعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي... وَأَغْضَيْتُ عَلَى الْقَذَى وَشَرِبْتُ عَلَى الشَّجَا، وَصَبَرْتُ عَلَى أَخْذِ الْكَظْمِ وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلَقَمِ». این بیان، گویای عمق مصیبت و تنهایی ایشان در مسیر تحقق حق است، آن‌جا که جز خاندانش یاوری نداشت، ولی با این همه، بر درد و رنجی طاقت‌سوز شکیبایی ورزید. این پایداری درونی که در سایه «عبودیت و بندگی خدا» و «صبر بر طاعت الهی» تحقق یافته، در حقیقت «گام نخست و بنیادین» برای هرگونه پایداری موفق در برابر دشواری‌های بیرونی و مقابله با دشمنان است. انسان زمانی می‌تواند در میدان رویارویی با دیگران ثابت‌قدم باشد که نخست در میدان درون، بر هوای نفس و کشمکش‌های خود غلبه کرده و پیروز شده باشد. از این رو، پایداری در طاعت و بندگی، نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه «مقدمه‌ای ضروری و کارگاه تمرینی» برای مقاومت در تمامی عرصه‌های زندگی است.

۴-۲-۲. آثار مقاومت

در لسان مبارک معصومان علیهم السلام نیز آثار و برکات متعددی برای پایداری و استقامت ورزیدن مطرح شده است. به عنوان نمونه برخی از مهمترین آنها در ذیل گزارش می‌شود:

۴-۲-۱. پایداری، شاخصه مهم شیعه؛ لازمه سعادت

امام صادق (علیه السلام) در روایتی ژرف، استقامت و پایداری را به عنوان معیاری تعیین‌کننده برای تحقق وعده‌های الهی به شیعیان معرفی می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ شِيعَتَنَا اسْتَقَامُوا لَصَافَحْتَهُمُ الْمَلَائِكَةُ، وَ لَأُظْلَمَ الْغَمَامُ، وَ لَأَشْرَقُوا نَهَارًا، وَ لَأَكُلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَ لَمَا سَأَلُوا اللَّهَ شَيْئًا إِلَّا أُعْطَاهُمْ» (حرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۰۱). این کلام نورانی، پایداری در راه حق را از جمله بارزترین شاخصه‌های شیعه راستین برمی‌شمارد و رسیدن به سعادت کامل دنیوی و اخروی - که در قالب عنایات ویژه ملکوتی، برکت در روزی و استجابات دعا تجلی می‌یابد - را مشروط به این خصلت نیکو می‌داند. در این نگاه، استقامت تنها یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه «شرط تحقق هویت شیعی» و «عامل فعال‌سازی برکات الهی» در زندگی فردی و اجتماعی است. از این رو، پابندی به استقامت، یک انتخاب فرعی نیست، بلکه «لازمه جدایی‌ناپذیر سلوک شیعی» و مسیر اجتناب‌ناپذیر برای وصول به سعادت حقیقی است.

۴-۲-۲. پایداری؛ ثمره و نتیجه تعقل و اندیشه ورزی

در منظومه فکری اسلام، پایداری و استقامت، امری برخاسته از تعصب یا هیجان زودگذر نیست، بلکه برآمده از ژرف‌اندیشی و خردورزی است. امام علی (علیه السلام) در این زمینه فرموده‌اند: «ثَمَرَةُ الْعَقْلِ السِّقَامَةُ»

(آمدی تمیمی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۶). این کلام گهربار، استقامت در کارها را میوه درخت پربار عقل معرفی می‌کند. این بدان معناست که انسان عاقل، با تفکر و تدبیر، راه حق را از راه باطل بازمی‌شناسد و هنگامی که حقانیت مسیری برای او محرز شد، با اراده‌ای استوار و بر پایه بینشی آگاهانه، در آن مسیر ثابت قدم می‌ماند و عوامل بازدارنده و موانع بیرونی نمی‌توانند او را از حرکت بازدارند. بنابراین، از نگاه امیرالمؤمنین (ع)، پایداری یک فضیلت اخلاقی مستقل نیست، بلکه «نتیجه و ثمره نهایی فرآیند خردورزی» است. این نگاه، مقاومت را تا سطح یک «برنامه عملی خردمندانه» ارتقا می‌دهد که ریشه در شناخت، ارزیابی و انتخاب آگاهانه دارد، نه در احساسات زودگذر. انسانی که به این مرتبه از عقلانیت دست یابد، در تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی، انسانی پایدار، قابل اعتماد و اثرگذار خواهد بود.

۴-۲-۲-۳. مقاومت؛ سبب بهره‌مندی از علم کثیر

در روایتی از امام باقر (علیه السلام) که در تفسیر آیه ۱۶ سوره جن آمده، پیوندی ناگسستنی میان «استقامت عملی» و «فیض علمی» ترسیم شده است. حضرت می‌فرماید: «...لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَىٰ وَلَآئِهِ عَلَيَّ بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ... لَأَسْقِيَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (کلینی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۲۰). تعبیر «ماء غَدَقًا» (آب فراوان) در این روایت، کنایه از علم، حکمت و ایمان سرشاری است که خداوند به دل‌های استوار و پایدار بر ولایت اهل بیت (علیهم السلام) عطا می‌کند. این بیان نشان می‌دهد که پایداری بر ایمان و التزام عملی به ولایت، تنها یک تکلیف شرعی نیست، بلکه خود «بستر و شرط لازم» برای شکوفایی استعداد‌های معنوی و بهره‌مندی از علوم و معارف الهی است. در این نگاه، شناخت حقیقی و بهره‌گیری از علم نافع، منوط به استقامت در مسیر ایمان است. بنابراین، مقاومت و پایداری، افزون بر آثار اخلاقی و اجتماعی، دارای «بُعد معرفت‌زایی» است و سدی در برابر شبهات فکری ایجاد کرده، قلب انسان را برای دریافت معارف الهی آماده می‌سازد. به بیان دیگر، استقامت بر ولایت، چراغی فراروی عقل می‌افروزد که به وسیله آن، حقایق را روشن‌تر می‌بیند و از علمی گسترده و ژرف بهره‌مند می‌شود.

۴-۲-۲-۴. پایداری، شاخصه اهل بصیرت؛ سبب مصونیت از شبهات

امام سجاد (علیه السلام) در نیایش خویش، ویژگی برجسته‌ی «اهل بصیرت» را چنین ترسیم می‌فرماید: «لَمْ يَشْنِهُمْ رَيْبٌ فِي بَصِيرَتِهِمْ، وَ لَمْ يَخْتَلِجْهُمْ شَكٌّ فِي قَفْوِ آثَارِهِمْ وَ الْإِثْمِ - مَامَ بِهِدَايَةِ مَنَارِهِمْ» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۷). این فراز نورانی تصریح می‌کند که آنان که به بینش و بصیرت ناب دست یافته‌اند، هیچ‌گونه شک و تردیدی در باورها و مسیر هدایت‌بخش خویش راه نمی‌دهند و با قاطعیت و استواری در آن گام برمی‌دارند. از این رو، «پایداری و استقامت فکری و عملی» را می‌توان به عنوان یک شاخصه‌ی اساسی برای اهل بصیرت برشمرد. این پایداری است که همچون سپری محکم، جان و دل آنان را در برابر یورش شبهات و تلاطم‌های فکری مصون می‌دارد و اجازه نمی‌دهد تا از مسیر حق منحرف شوند. بنابراین، از منظر امام سجاد (ع)، بصیرت

تنها به معنای «شناخت» نیست، بلکه به «ثبات قدم» در پیامدهای آن شناخت نیز اطلاق می‌شود. این نگاه، مقاومت و پایداری را از یک فضیلت فردی فراتر برده و آن را به «عاملی تعیین‌کننده در پایداری هویت دینی جامعه» در برابر جریان‌های انحرافی و شبهه افکن تبدیل می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مقاومت در آموزه‌های اسلامی، مفهومی بنیادین، چندلایه و فراتر از یک واکنش صرف نظامی یا سیاسی است. این مفهوم، ریشه در باورهای عمیق دینی همچون توحید، توکل، صبر، و جهاد دارد و در متون دینی، به‌ویژه قرآن کریم، با تعبیر متعددی چون صبر فی سبیل الله، ثبات قدم، و عدم میل به ظالمان مورد توجه قرار گرفته است.

در بُعد فردی، مقاومت موجب تقویت ایمان، خودباوری، پایداری در مسیر حق، و رشد معنوی انسان می‌شود. مؤمنی که در برابر فشارها، تهدیدها و انحراف‌ها مقاومت می‌ورزد، به درجه‌ای از کمال روحی و عزت نفس دست می‌یابد که در سایر شرایط قابل دستیابی نیست. مقاومت در این سطح، عامل خودسازی و تربیت نفس است.

در بُعد اجتماعی، مقاومت در برابر ظلم و استکبار، عامل حیاتی در حفظ استقلال، عزت و انسجام امت اسلامی محسوب می‌شود. تجربه‌های تاریخی از صدر اسلام تا دوران معاصر (از قیام عاشورا تا نهضت‌های ضد استعماری و مقاومت‌های منطقه‌ای) نشان می‌دهد که مقاومت، بنیان‌گذار تمدن‌سازی اسلامی و احیای ارزش‌های دینی در برابر تحریف، سلطه و استضعاف است.

نتیجه‌نهایی آن است که مقاومت در اسلام، نه تنها امری اختیاری یا ثانویه، بلکه یکی از ارکان ایمان و مقدمه‌ای برای تحقق عدالت الهی در زمین است. جوامعی که بر اساس این آموزه، انسجام فکری و ایمانی خود را حفظ کنند، در مسیر تحقق وعده الهی «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ» قرار خواهند گرفت.

منابع

قرآن کریم (ترجمه آیتی و مجتبوی)

نهج البلاغه، صبحی صالح (۱۳۸۱)، ترجمه: آیتی

۱. صحیفه سجادیه، امام سجاد (ع)، (۱۳۸۶)، نشر فیض کاشانی: تهران، ترجمه: کاظم ارفع.

۲. ابن عاشور، محمد طاهر، ۱۴۲۰ق، التحرير و التنوير، بیروت، موسسه التاريخ العربی.

۳. ابن اثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم؛ اسماعیلیان.

۴. آمدی تمیمی، (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و دررالکلم، ترجمه: رسولی محلاتی.

۵. اشکوری، محمد بن علی، (۱۳۷۳)، تفسیر شریف لاهیجی، نشر داد: تهران.

۶. آل نبی، سید محسن و یوسفی مقدم، محمد صادق . (۱۴۰۰). چالشهای مقاومت از منظر قرآن ۷. کریم، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، ۱۰(۴)، ۷-۲۶.
۸. بلاغی، عبدالحجت، (۱۳۸۶)، حجه التفاسیر، حکمت: قم.
۹. جعفری مراغی، یعقوب، (۱۳۷۷)، تفسیر کوثر، هجرت: قم.
۱۰. حسینی همدانی، سید محمد، (۱۳۸۰)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، لطفی: تهران.
۱۱. حرانی، (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل رسول علیهم السلام، ترجمه: کمره ای.
۱۲. خسروانی، علیرضا، (۱۳۵۱)، تفسیر خسروی، اسلامیه: تهران.
۱۳. جوادی آملی، (۱۳۹۸)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز نشر اسراء.
۱۴. رازی، ابوالفتح. (۱۳۷۶). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن بنیاد پژوهشهای اسلامی.
۱۵. زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس دار الفکر.
۱۶. سیدباقری، سیدکاظم و ملاشفیعی، بتول . (۱۳۹۴). اهداف و کارکرد قدرت سیاسی مطلوب از منظر قرآن کریم. علوم سیاسی، ۱۸(شماره ۶۹ - بهار ۹۴)، ۷-۳۴.
۱۷. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن، (ودیگران)، (۱۳۵۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، فراهانی: تهران.
۱۹. طریحی، فخرالدین بن محمد علی. (۱۳۷۵ ش). مجمع البحرین، تهران؛ المکتبه المرتضویه.
۲۰. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، أطیب البیان فی تفسیر القرآن، اسلام: تهران.
۲۱. فیض کاشانی، محمد محسن، ۱۴۱۸ق، الاصفی فی تفسیر القرآن، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۲. فرمی باف، سیدحسین، خواجه پور، کمال، و عاصی، ابوالقاسم. (۱۳۹۹). ادبیات مقاومت از منظر قرآن و روایات. سیاست دفاعی، ۲۸(۱۱۲).
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم؛ موسسه دارالهجره.
۲۴. قرائتی، محسن. (۱۳۸۵). تفسیر نور (جلد ۴، ص. ۳۹۵). قم: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۹)، اصول کافی، ناشر: دارالتعارف للمطبوعات، ترجمه: مصطفوی.
۲۶. گروهی از مترجمان، (۱۳۷۵)، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، آستان قدس رضوی: مشهد.
۲۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، موسسه الوفاء.
۲۸. مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۶)، تفسیر کاشف، بوستان کتاب: قم.

Reference

The Holy Quran (Ayati and Muhtabawi translations)

Nahjul-Balagha, Sobhi Saleh (2002), translation: Ayati

1.SahifaSajjadiyah, Imam Sajjad (AS), (2007), Faiz Kashani Publications: Tehran, translation: Kazem Arfa.

2. Ibn Ashur, Muhammad Tahir, 1420 AH, Al-Tahrir wal-Tanwir, Beirut, Arab History Institute.
3. Ibn Athir, Mubarak ibn Muhammad. (1367 AH). Al-Nahiyyah fi Gharib al-Hadith wa al-Athir, Qom; Ismailis.
4. Amdī Tamīmī, (1410 AH), Gharr al-Hikam wa Durr al-Kalam, translated by Rasuli Mahallati.
5. Eshkouri, Mohammad bin Ali, (1994), Tafsir Sharif Lahiji, published by: Tehran.
6. Al-Nabi, Seyyed Mohsen and Yousefi Moghadam, Mohammad Sadeq. (1997). Challenges of Resistance from the Perspective of the Quran.
7. Karim. Quarterly Journal of Islamic Awakening Studies, 10(4), 7-26.
8. Balaghi, Abdul Hajjat, (1386), Hajjah al-Tafsir, Hikmat: Qom.
9. Jafari Maraghi, Yaqoub, (1377), Tafsir al-Kawthar, Hijrat: Qom.
10. Hosseini Hamedani, Seyyed Muhammad, (1380), Anwar Darakhshan in Tafsir al-Quran, Lotfi: Tehran.
11. Harrani, (1363), Tuhf al-Uqol an al-Rasul (peace be upon him), translated by Kamarai.
12. Khosravani, Alireza, (1972), Tafsir Khosravi, Islamia: Tehran.
13. Javadi Amoli, (2019), The Status of Reason in the Geometry of Religious Knowledge, Israa Publishing Center.
14. Razi, Abul-Futuh. (1997). Rawd al-Jinan and Ruh al-Jinan in the Interpretation of the Quran, Islamic Research Foundation.
15. Zubaidi, Morteza. (1997). Taj al-Aroos, Men Jawahar al-Qamous Dar al-Fikr.
16. Seyyed Baqeri, Seyyed Kazem and Malashfii, Batul. (2015). The Goals and Function of Desirable Political Power from the Perspective of the Holy Quran. Political Sciences, 18(No. 69 - Spring 2015), 7-34.
17. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, 1417 AH, Al-Mizan, Qom, Islamic Publications Office, Vol. 5.
18. Tabarsi, Fadl bin Hassan, (and others), (1971), Translation of Majma' al-Bayan Commentary, Farahani: Tehran.
19. Turahi, Fakhr al-Din bin Mohammad Ali. (1996). Majma' al-Bahrain, Tehran; Al-Muktabah al-Murtazawiyah.
20. Tayyeb, Seyyed Abdul Hussein, (1378), Ateeb Al-Bayan Fi Tafsir Al-Quran, Islam: Tehran.
21. Fayz Kashani, Mohammad Mohsen, 1418 AH, Al-Asfi Fi Tafsir Al-Quran, Qom, Islamic Propaganda Office.
22. Fermi Baf, Seyyed Hussein, Khajeh Pour, Kamal, and Asi, Abul Qasem. (1399). Resistance Literature from the Perspective of the Quran and Traditions. Defense Policy, 28(112).
23. Farahidi, Khalil bin Ahmad. (1409 AH). Kitab al-Ain, Qom; Dar al-Hijrah Institute.
24. Qaraati, Mohsen. (1385). Tafsir al-Nur (Volume 4, p. 395). Qom: Cultural Center for Lessons from the Quran.

25. Kulayni, Muhammad bin Yaqub, (1369), Usul al-Kafi, Publisher: Dar al-Ta'arif for Printing, Translated by Mustafavi.
26. A group of translators, (1375), translation of Tafsir Jameim al-Jami, Astan Quds Razavi: Mashhad.
27. Majlisi, Mohammad Baqer, (1403 AH), Bihar al-Anwar al-Jamaa ledorer Akhbar al-Imam al-Athar, Al-Wafa Institute.
28. Mughniyeh, Mohammad Javad, (1386), Tafsir Kashif, Bostan Kitab: Qom.

إعادة قراءة مفهوم المقاومة في التعاليم الإسلامية وآثارها النفسية والاجتماعية

نويد ابوطالب^١، اميرحسين كريميان^٢، سيدابراهيم معصومي^٣

١. طالب دكتوراه في علم اللاهوت، كلية الآداب واللغات الأجنبية، جامعة كاشان، كاشان، إيران، n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

٢. طالب دكتوراه في علم اللاهوت، كلية الآداب واللغات الأجنبية، جامعة كاشان، كاشان، إيران، Amirhosseinkarimian436@gmail.com

٣. أستاذ مساعد، قسم الدراسات الإسلامية، كلية الآداب واللغات الأجنبية، جامعة كاشان، كاشان، إيران، masomi6228@kashanu.ac.ir

الملخص

تُعَدُّ المقاومة بوصفها أحد المفاهيم الأساسية في الآيات والروايات الإسلامية، وتلعب دورًا محوريًا في تكامل الفرد وتعالى المجتمع المسلم. وبالرغم من التأكيد الواسع في النصوص الدينية، لا يزال البحث في التبيين النظامي للنظام المفهومي للمقاومة، وتحليل علاقتها بمفاهيم مثل الصبر والاستقامة، والكشف الدقيق عن آلية تأثيرها على المستويين الفردي والاجتماعي، ضرورة بحثية قائمة. تسعى هذه الدراسة، باستخدام المنهج الوصفي-التحليلي والاستناد إلى آيات القرآن الكريم وروايات المعصومين (عليهم السلام)، للإجابة عن سؤال رئيس يتعلق بالإطار المفهومي للمقاومة في النظام الفكري للإسلام وآثارها الواضحة في البعدين الفردي والاجتماعي. تظهر النتائج أن المقاومة نظام مترابط يضم مفاهيم متقاربة مثل الصبر (كدعم نفسي) والاستقامة (كمظهر مؤسس لها). على المستوى الفردي، يؤدي هذا النظام، عن طريق تعزيز الإيمان والتوكل، إلى تهذيب النفس وكسب ثقة النفس المستدامة والثمؤ الروحي. أما على المستوى الاجتماعي، فإن هذا المفهوم، يتحوّل إلى خطاب جماعي، يصبح عاملاً لتماسك الأمة والاستقلال والثبات الثقافي ونهضة سبل تحقيق العدالة الاجتماعية. في الختام، تبين هذه الدراسة أن المقاومة في الفكر الإسلامي، تتجاوز كونها فعلاً دفاعياً، إلى أن تكون "استراتيجية تربوية وحضارية" تنبعث من الإيمان، وتنبؤ في التنشئة الأخلاقية للفرد، وتظهر في ساحة المجتمع كقوة جماعية وتحقيق للحضارة الإسلامية.

الكلمات المفتاحية: المقاومة، الاستقامة، الصبر، التربية الأخلاقية، الحضارة الإسلامية

Rereading the concept of resistance in Islamic teachings and its psychological and social consequences

Navid Abutalebi¹, Amirhosseinkarimian², Seyyed Ebrahim Masomi³

1. PhD student in Theology, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran, n.abutalebi@grad.kashanu.ac.ir

2. PhD student in Theology, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran, Amirhosseinkarimian436@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Foreign Languages, Kashan University, Kashan, Iran, masomi6228@kashanu.ac.ir

Abstract

Resistance, as one of the fundamental concepts in Islamic verses and narrations, plays a pivotal role in the individual development and social elevation of Muslims. Despite the extensive emphasis in religious texts, a systematic explanation of the conceptual framework of resistance, analyzing its connection with concepts such as patience and steadfastness, and precisely investigating its mechanism of impact at individual and social levels, remains a research necessity. This study, using a descriptive-analytical method and focusing on the verses of the

Holy Quran and the narrations of the Infallibles (peace be upon them), seeks to answer the main question regarding the conceptual framework of resistance in the intellectual system of Islam and its specific effects in the individual and social dimensions. The findings indicate that resistance is an interconnected system encompassing related concepts such as patience (as a psychological support) and steadfastness (as its institutionalized form). At the individual level, this system, through strengthening faith and reliance on God, leads to self-purification, the acquisition of sustainable self-esteem, and spiritual growth. At the social level, this concept, by transforming into a collective discourse, becomes a factor for the cohesion of the Ummah, independence, cultural sustainability, and paves the way for achieving social justice. In conclusion, this research demonstrates that resistance in Islamic thought transcends being a defensive reaction; it is an "educational and civilizational strategy" that originates from faith, crystallizes in the moral formation of the individual, and emerges in the societal arena as a collective power and the realization of Islamic civilization.

Keywords: Resistance, Steadfastness, Patience, Moral Education, Islamic Civilization.

نسخه
پیش
انتشار